

ماهیت حقوقی برجام، زیر ذره بین صاحب نظران

جلسه بررسی ابعاد حقوقی برنامه اقدام مشترک ایران و 5+1 عصر دیروز به همت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.



جلسه بررسی ابعاد حقوقی برنامه اقدام مشترک ایران و 5+1 عصر دیروز به همت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. محمدرضا ضیایی بیگدلی استاد دانشگاه علامه طباطبایی در این نشست به اهمیت دستیابی به توافق هسته ای پس از 12 سال تنش اشاره کرد و به برخی ابهامات درباره سازوکار حقوقی برجام پرداخت.

او با اشاره به طرح این موضوع از سوی برخی افراد مبنی بر این که عدم تصویب برجام در مجلس باعث می شود که برجام پس از 90 روز از تصویب قطعنامه 2231 خود به خود اجرا شده و فایده عدم تصویب این است که اگر در مسیر اجرا مشکلی به وجود آمد، ایران می تواند به عدم تصویب مجلس اشاره کند، گفت: این برجام تعهد قوه مجریه نیست و تعهد دولت ایران است. همچنین برجام به خودی خود اجرا نمی شود.

او به ضرورت ورود مجلس به بررسی حقوقی برجام اشاره کرد و با تاکید بر این که برنامه اقدام مشترک یک معاهده بین المللی است، به شبهات درباره ماهیت حقوقی برجام پاسخ داد.

به گفته وی، استدلال آن دسته از افراد که به واسطه نیت خوانی ایران و آمریکا، این متن را نه معاهده که قراردادی نزاکتی می دانند، صحیح نیست، چراکه به جای نیت، باید به متن توافق نگریست.

او امضا نشدن برجام را ادعای دیگری درباره معاهده نبودن این سند حقوقی دانست و در رد آن گفت: امضا تنها شکلی از اعلام رضایت طرفین در حقوق بین الملل است و هر معاهده الزاما نیاز به امضا ندارد.

او به استدلال دسته دیگری از صاحب نظران که تاکید برجام بر واژه «will» به جای «shall» را نشانه تشریفاتی بودن توافق می دانند، پاسخ داد و گفت: تنها واژگان نمی توانند نشانه ماهیت حقوقی یک سند باشند.

او عدم پیش بینی تصویب مجلس در متن برجام، مشخص نکردن «امین» و نبردن برجام به نهادهای قانون گذاری پنج کشور (همه طرف ها به جز ایران و آمریکا) هیچ یک را دلیل مناسبی برای معاهده ندانستن برجام ندانست.

ضیایی بیگدلی تصریح کرد: برخی می گویند وقتی آمریکا این متن را معاهده نمی داند، چرا ما بدانیم، این درحالی است که این به مصلحت ماست که متن برجام را معاهده بدانیم و این که واشنگتن آن را معاهده نمی داند شاید به این خاطر است که می خواهد برای اجرا نکردن احتمالی برجام بسترسازی کند.

ضمیمه «B» قطعنامه، بیانیه 5+1 درباره برنامه هسته ای ایران

دکتر محسن عبداللهی استاد دانشگاه شهید بهشتی، دیگر سخنران این نشست بود که تصویب قطعنامه 2231 شورای امنیت برای تأیید برجام را یک اقدام کم سابقه حقوقی توصیف کرد.

به گفته وی، با وجود این که قطعنامه های تحریمی شورای امنیت همگی در ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بود، ولی این قطعنامه به بند 25 منشور استناد کرده که به نظر می رسد پاسخی است به مطالبه دیپلمات های کشورمان.

وی با یادآوری اقدام ناتو در کوزوو به بهانه قراردادن در ذیل فصل هفتم منشور، بیان کرد: اگر قطعنامه جدید هم تحت فصل هفتم بود، نقض آن می توانست پیامدهایی چون آنچه در کوزوو اجرا شد داشته باشد، درحالی که در حال حاضر چنین پیامدی متوجه آن نیست.

او با اشاره به این که در این قطعنامه 10 بند با استناد به ماده 41 منشور وجود دارد، افزود: این برای اولین بار است که شورای امنیت نه برای تنبیه یک دولت که برای محدود کردن خود، به بند 41 استناد کرده است.

او قطعنامه 2231 شورای امنیت را یکی از طولانی ترین قطعنامه های شورای امنیت خوانده و با اشاره به ضمیمه «B» این سند یادآوری می کند: ضمیمه «B» این قطعنامه در واقع بیانیه 5+1 درباره ایران است که در آن به برخی محدودیت های دفاعی اشاره شده است.

این استاد حقوق بین الملل به سازوکارهای حل اختلاف در این قطعنامه اشاره کرد و با تشریح چگونگی ادعای کشورها درباره نقض توافق به کمیسیون پیش بینی شده، توضیح داد: اگرچه مکانیسم های حل اختلاف در شورای امنیت همواره «قدرت محور» است اما در اینجا سعی شده تا این قدرت در مکانیسم هایی مهار شود و برای اولین بار به یک دولت تحت تحریم اجازه مداخله در مکانیسم های حل اختلاف داده شده است.

او به قیود حفاظتی در برابر مکانیسم ماشه نیز اشاره کرد و با این حال درباره طول عمر برجام به طرح این پرسش پرداخت که اگر قطعنامه 2231 ضمانت اجرای برجام است، چرا درحالی که برای برجام هیچ نقطه پایانی وجود نداشته و تنها فواصل زمانی 10، 15 و 25 سال مورد نظر است، قطعنامه پس از 10 سال عملا به کار خود پایان می دهد؟ اگر پس از این 10 سال اختلافی

به وجود آمد، چه باید کرد؟

خروج ایران از ذیل فصل 7، نه حالا، بلکه پس از 10 سال

سومین سخنران نشست روز گذشته بررسی ابعاد حقوقی برجام، دکتر سعید محمودی، استاد دانشگاه استکهلم سوئد بود. او برخلاف دکتر ضیایی بیگدلی، متن برجام را نه یک معاهده، بلکه توافقی سیاسی دانست و گفت: در این مذاکرات عملاً اعضای 5+1 مساعی جمیله (روشی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی) کردند تا به یک اختلاف میان ایران و آژانس خاتمه دهند.

او به اسناد رد و بدل شده میان ایران و آژانس در 45 سال گذشته اشاره کرد و گفت: معاهده ان.پی.تی، قرارداد پادمان و توافق نامه ترتیبات فرعی از جمله اسنادی است که ایران و آژانس تاکنون امضا کرده اند و حالا براساس مذاکرات هسته ای، ایران داوطلبانه پروتکل الحاقی را نیز اجرا خواهد کرد.

وی به اختلافات موجود میان ایران و آژانس از سال 1381 تا امروز پرداخت و آن را به سه دوره تقسیم کرد. به گفته وی در دوره اول که تا پایان دولت هشتم ادامه داشت، ایران تهدید آمریکا تحت تاثیر فضای پس از 11 سپتامبر را جدی گرفت و برای حل و فصل پرونده کوشش کرد. به عقیده او در این دوره اگر اروپا ایران را دست کم نمی گرفت و از واشنگتن بیش از اندازه حرف شنوی نداشت، می توانست به اختلاف پایان دهد.

دکتر محمودی دومین دوره را پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد خواند و با اشاره به پیشرفت های مناسب مذاکرات در سال های ابتدایی این دوره و رسیدن ایران و آژانس به یک برنامه کاری جدید در سال 2007، گفت که تحریم های شورای امنیت باعث شد پس از این دوره، تهران احساس کند طرف مقابل تحت هر شرایطی به دنبال تحریم و براندازی است.

وی برجام را ماحصل سومین دوره مذاکرات دانست که در دولت یازدهم آغاز شده و با این حال به بیان برخی نقدها نسبت به قطعنامه 2231 و برجام پرداخت.

این استاد حقوق بین الملل، متن قطعنامه را شتابزده و دارای اشتباهات زبانی دانست و آن را ناشی از تغییرات در 24 ساعت پایانی ارزیابی کرد.

وی سپس به نقد موضوع دسترسی های آژانس در قالب برجام اشاره کرد و با بیان این که او تا روزهای پایانی مذاکرات معتقد بوده تهران اجازه «بازرسی های هرزمان و هر مکان» را نخواهد داد، یادآور شد: به نظر می رسد در برجام محدودیتی برای دسترسی ها نیست. او با تشریح مکانیزم این دسترسی ها، چنین بازدیدهایی را تهدید حاکمیت ملی ارزیابی کرد.

او سپس به بحث درباره بازگشت تحریم ها و پیامدهای آن بویژه در دولت بعدی آمریکا پرداخت و سپس در پاسخ به طرح این ادعا که ایران با قطعنامه 2231 از ذیل فصل هفتم منشور خارج می شود، گفت: من موافقم که این قطعنامه ایران را از ذیل فصل 7 خارج می کند، اما نه الان، بلکه 10 سال دیگر.

او همچنین به نقش آمانو در قطعنامه اشاره کرد و با اشاره به ماموریت های محول شده به آژانس، گفت که اسناد ویکی لیکس از نحوه انتصاب آمانو به عنوان مدیرکل آژانس نشان می دهد که وی شخصیت مستقلی ندارد و در راستای سیاست های واشنگتن حرکت می کند.

دکتر محمودی همچنین به نقد تعریف نشدن دقیق «نقض آشکار و مهم» برجام که در برنامه اقدام مشترک مبنای ادعای هر دو طرف قرار گرفته اشاره و با این حال تاکید کرد که از نظر او متن برجام یک متن برابر است که تلاش شده از نابرابری میان ایران و 5+1 در آن جلوگیری شود.

تلاش برای نرم کردن لحن برجام در ساعات پایانی مذاکرات

در پایان این نشست نیز دکتر سید حسین سادات میدانی، استاد حقوق و عضو تیم مذاکره کننده هسته ای کشورمان به تشریح بیانیته تهران پس از قطعنامه 2231 پرداخت و متن برجام و قطعنامه شورای امنیت را نه یک متن صرفاً سیاسی یا صرفاً حقوقی، بلکه اسنادی «سیاسی حقوقی» توصیف کرد که نتیجه بده بستان دو طرف بوده است.

او لحن قطعنامه جدید شورای امنیت را نه تهدیدآمیز و اجبارآمیز که نشان دهنده رضایت و رابطه دانست و تصریح کرد: مخاطب قطعنامه جدید هم مهم است که برخلاف قطعنامه های قبلی که مخاطب ایران بود، این قطعنامه مثلاً در 10 مورد استنادی که به ماده 41 کرده، تنها یک بار ایران را مخاطب قرار داده است.

او یکی از مشکلات تدوین برجام در روز پایانی مذاکرات را تلاش برای نرم کردن لحن و افعال دو سند بیرون آمده از دل گفت و گوهای وین دانست و این که در بخش های مختلف این متون بر داوطلبانه بودن اقدامات ایران تاکید شده را مهم دانست.